



نقدی بر اثرات ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد بر احیای بافت با نگاه خاص بر جنبه های بومی و محلی

حامد بهادر^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت های تاریخی / پژوهشگر آزاد

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2024.713239>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی، صص: ۲۶۵-۲۸۵

چکیده

ثبت شهرهای تاریخی در فهرست میراث جهانی امتیازی غیرقابل انکار جهت معرفی بیش از پیش این مواریث فرهنگی در سطح ملی و بین المللی است و طبیعی است که همه کشورها سعی در ثبت آثار تاریخی و فرهنگی خویش در این فهرست را در دستور کار قرار دهند. در این خصوص نکته با اهمیت این است که آیا ثبت در فهرست میراث جهانی پایان راه است؟ و یا آغاز رسالت مهم تری در خصوص حفظ ارزش های اصیل و مهم اثر که در طول زمان آرام آرام در بستر فرهنگی و اجتماعی خویش رشد و تکامل یافته است؟ بدیهی است که داشتن برنامه جامع مدیریت اثر بعد از ثبت جهانی و پایش روند اجرای این برنامه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این اهمیت آنجا که سخن از شهر و بافت شهری تاریخی می شود از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا شهر، بستر تعامل و تقابل جنبه های کالبدی شهر با جنبه های اجتماعی زیست انسان، جنبه های طبیعی محیط زیست و جنبه های انسان ساخت محیط و ظرف حضور انسان در همه مشخصه های روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیبایی شناسی و دیگر ساحات است. بنابراین هر تصمیمی در جهت بهبود وضع شهر الزاماً باید به انسان به منزله کلیدی ترین عامل، توجه ویژه ای داشته باشد و این اهمیت، جنبه های غیرکالبدی در احیای شهرهای تاریخی را به وضوح نشان می دهد.

از سویی دیگر، آنچه در بافت‌های تاریخی و احیای آنها پس از ثبت در فهرست میراث ملی و جهانی دیده می‌شود، تمام شده تلقی کردن کار توسط متولیان امور شهری است. بدین معنی که برنامه‌های بعد از ثبت آثار، عموماً چند ویژگی در مورد آنها مترتب است؛ کارایی لازم را تضمین نمی‌کنند؛ نگاه جامع به مرمت و احیاء در تهیه و تدوین آنها دیده نمی‌شود؛ پشتوانه سازمانی مناسب ندارند و یا مورد پایش و پالایش پیوسته قرار نمی‌گیرند. از این روی، عموماً تغییرات و گاه آسیب‌های بافت‌های تاریخی پس از ثبت سرعت بیشتری می‌گیرد. شهر یزد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تغییرات پس از ثبت جهانی بافت پرشتاب، مدیریت نشده، هیجانی و شامل مداخلات ناصحیح در بافت بوده است. حضور بی‌رویه و مدیریت نشده گردشگر، ماهیت زیست محلی را مورد خدشه قرار داده است. ایجاد ارزش افزوده دفعی املاک، نرخ سکونت را در محدوده بافت بشدت کاهش داده است. تغییر کاربری واحدهای کوچک شهری به کاربری‌های غیر اصیل، اصالت و یکپارچگی بافت را از بین برده و مداخلات کالبدی در درون معابر و گذرها و شریان‌ها، بافت را از حالت شهر به مثابه محوری تاریخی به نمایشگاهی از نور، نقش و طرح تبدیل کرده است که جریان اصیل زندگی دیگر در آن دیده نمی‌شود یا حداقل کمتر به چشم می‌آید.

حال آنکه برابر مبانی پذیرفته شده مرمت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین موضوع در احیای بافت، حفظ هویت و ماهیت اصلی بافت از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مردم‌شناسی، کالبدی و عملکردی است. اگر این مهم در روند ثبت یا پس از آن یا در روند احیای بافت مورد خدشه واقع شود، خود آسیب و عارضه خواهد بود؛ چه اینکه مقصود از ثبت هر اثر شناساندن ویژگی‌های ذاتی ممتاز آن به جهانیان است و حال اگر خود باعث تضعیف این ارزش‌ها شود اساساً نقض غرض محسوب می‌شود و نه تنها کمکی به احیای بافت نمی‌کند که در بلند مدت آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بافت تاریخی وارد خواهد کرد.

واژگان کلیدی: ثبت جهانی، حفاظت، احیا، بافت تاریخی، یزد



نقدی بر اثرات ثبت
جهانی بافت تاریخی
شهر یزد بر احیای بافت

مقدمه

۱۸ تیرماه سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷م) محدوده بافت تاریخی شهر یزد در چهل و یکمین اجلاس کمیته میراث بشری سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در شهر کراکوف لهستان به ثبت جهانی رسید. شروع روند ثبت جهانی و اولین جرعه‌های ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد از سال ۱۳۸۹ آغاز و از سال ۱۳۹۴ شکل جدی و رسمی به خود گرفت. در این بین، شاید بتوان «طرح حفاظت جامع بافت تاریخی یزد» را که در سال ۱۳۸۷ با همت وزارت مسکن و شهرسازی وقت و سازمان عمران و بهسازی شهری ایران توسط مهندسین مشاور آرمانشهر تهیه شد، را جامع‌ترین طرح تا قبل از شروع رسمی تهیه پرونده ثبت جهانی شهر دانست. آنچه که قابل تأمل است، تأکید پیوسته این پژوهش و همه پژوهش‌های مشابه بر ارزش‌های اجتماعی، جامعه محلی، معماری و شهرسازی بومی و تعاریف مربوط به اصالت در انواع مختلف آن در بافت تاریخی یزد بوده است. معذالک آنچه که پس از گذشت بیش از یک دهه از ثبت جهانی بافت تاریخی یزد دیده می‌شود، عدم همخوانی اقدامات یا بی‌توجهی برنامه‌های اجرایی به مقوله ارزش‌های بومی، شهری و حتی ملی در نگاهداشت این میراث جهانی است. این قابلیت‌ها که شامل ارزش‌های ملموس و ناملموس را دربرمی‌گیرد، از این جهت مهم‌اند که انگیزه و توان اولیه ساخت و استمرار حیات همه موارد فرهنگی از جمله بافت‌های تاریخی را می‌توان به صورت مستتر یا آشکار در آنها یافت. روابط صحیح اجتماعی، روابط مشخص فضایی، توسعه ارگانیک بافت، ترکیب جمعیتی، تنوع نسل و ترکیب نژادی و از همه مهم‌تر جریان طبیعی زیست ساکنین از مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای جاری در بافت تاریخی یزد بوده که در مجموع در کنار عوامل بی‌شمار دیگر، نظام ارزش‌های بافت را شکل داده‌اند. در این نوشتار برآنیم که تحلیلی اجمالی از وضعیت بافت تاریخی شهر پس از ثبت جهانی و تغییرات عینی موجود بر اساس بایدها و نبایدهای پذیرفته شده حفاظتی ارائه نماییم. اگر چه سعی بر ارائه راهکارهای حفاظتی نبوده و تلاش بر گونه‌ای از آسیب‌شناسی حفاظت استوار است، با این وجود با قدری تأمل می‌توان از متن نوشتار، پیش فرض راهکارهای حفاظت صحیح و جلوگیری از استحاله شدن بافت تاریخی و ارزش‌های موجود در آن را استخراج نمود.

در این بین پژوهش‌های مهندسین مشاور آرمانشهر با عنوان «طرح حفاظت جامع بافت تاریخی یزد» و همچنین گزارش‌های پایگاه جهانی بافت تاریخی یزد به‌منزله پیش‌زمینه ثبت بافت و روند مدیریت بافت از اهمیت خاص برخوردار است. همچنین ورود پژوهشگران میان رشته‌ای به مبحث بافت تاریخی یزد مانند پژوهش‌های عزیزی (۱۴۰۲) و خادمزاده (۱۳۸۳) که نقش مهمی نیز در ثبت بافت تاریخی یزد داشته‌اند، دارای اهمیت است؛ این پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه‌های کالبدی و مدیریتی بافت تمرکز یافته‌اند و کمتر جنبه‌های اجتماعی بافت مورد نظر قرار گرفته است.

بافت تاریخی شهر یزد محدوده نسبتاً وسیعی را در بر می‌گیرد، حریم آن تقریباً ۵ هزار هکتار و عرصه



اش ۷۴۳ هکتار مساحت دارد و با تهیه پرونده در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی، به منزله ی بزرگترین محدوده شهری تاریخی، به ثبت رسید. (تارنمای شماره ۱) از همان ابتدا و از سال اول برنامه سوم توسعه و باراه اندازی پایگاه پژوهشی و حفاظتی ملی، چشم انداز ثبت جهانی این بافت مشخص و به طور غیر رسمی در دستور کار متولیان حفاظت آن قرار گرفت. تلاش های جامعه دانشگاهی کشور، مشاوران و همچنین مدیران شهری و پشتیبانی از آنها در سطح ملی، نهایتاً منجر به ثبت جهانی بافت در چهل و یکمین اجلاس کمیته میراث بشری یونسکو در سال ۲۰۱۷ گردید. بر اساس آنچه در گزارش ۲۱ تیرماه ۱۳۹۶ کمیسیون ملی یونسکو ایران آمده است «شهر تاریخی یزد به دلیل وسعت، یکپارچگی^۱ و حفظ اصالت تاریخی^۲، استفاده از مصالح بومی و مصرف کمترین انرژی در تولید بناهای خشتی و هماهنگی کامل با اقلیم سخت و خشن کویری، در میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید» (تارنمای شماره ۲). همانگونه که مشاهده می شود، یکپارچگی و حفظ اصالت تاریخی از اهم ویژگی های بافت تاریخی شهر یزد عنوان شده و طبیعتاً یکی از انگیزه های پذیرش شهر به منزله شهر جهانی نیز برخوردار بودن از این دو ویژگی مهم است.

مفهوم اصالت در بافت های واجد ارزش تاریخی

در برخورد با مفهوم اصالت در میراث فرهنگی با چالش های کمتری مواجه هستیم و تعاریف روشن تر است؛ اما در مقابل، مفهوم یکپارچگی از پیچیدگی های بیشتری برخوردار است. زیرا که مفهوم اصالت بیشتر بر مصادیق کالبدی تکیه دارد و کمی می نماید. حال آنکه یکپارچگی مفهومی بیشتر ذهنی-روانی و به نوعی از مفاهیم کیفی حفاظت از بافت های تاریخی به شمار می آید. تا پیش از دوران حفاظت مدرن و در شکل گیری شهرها و بافت های تاریخی هیچکدام از دو مورد اصالت و یکپارچگی چالش جدی به شمار نمی رفته است؛ زیرا شهرها به شکل ارگانیک رشد و توسعه یافته و به صورت طبیعی به رعایت این دو ملزم بودند. اما در سده های بعد، به ویژه هرچه به زمان حال نزدیکتر می شویم، نقش پررنگ این موارد در حفاظت میراث شهری آشکارتر می شود. شاید بتوان آغاز حساسیت بر مفهوم اصالت را اقدامات تجلیلی و مداخلات بی حد و حصر ویوله لودوک و پیروان و طرفداران وی بعنوان علاقمندان به مرمت سبکی دانست که صدمات قابل توجهی به بناهای شاخص در سرتاسر اروپا وارد آورد؛ پیش از منشور ونیز، به طور مستقیم به واژه های اصالت و یکپارچگی در ارتباط با میراث فرهنگی نظیر بناها اشاره نشده است (Kozein, 2021). در مقدمه منشور ونیز آمده است که آثار و یادمان ها باید به درستی در شکل اصیل خود به نسل های بعدی منتقل شوند؛ پس از آن کمیته میراث جهانی در سال ۱۹۷۶ چهار معیار طرح^۳، مواد و مصالح^۴، فن ساخت^۵



نقدی بر اثرات ثبت
جهانی بافت تاریخی
شهر یزد بر احیای بافت

1. Integrity
2. Authenticity
3. Design
4. Material
5. Workmanship



و زمینه^۱ را به منظور سنجش اصالت ساختارهای میراثی معرفی کرد (Jukilehto, 2008).

این تعاریف سال‌ها دستمایه استفاده متفکران و نظریه‌پردازان و حفاظت‌گران آثار تاریخی بوده و مورد وثوق اکثریت این جامعه علمی بوده است. تا زمانی که در منشورها و قطعنامه‌های بعدی و بر اساس تجربه‌های سال‌های متمادی حفاظت از ثروت‌های فرهنگی، در این مفاهیم بازبینی صورت گرفت، به‌قوت خود باقی بودند. بعنوان مثال، کنفرانس نارا در سال ۱۹۹۴ چهار معیار یاد شده برای تعیین اصالت را کافی ندانست و مؤلفه‌های طرح، کارکرد، شکل، سنت، روح (حال و هوا)، مواد و مصالح و بستر قرارگیری اثر را در این موضوع با اهمیت اعلام کرد (Stovel, ۱۹۹۵).

مفهوم یکپارچگی

همانطور که پیش‌تر نیز آمد، مفهوم یکپارچگی دال بر مفاهیم بیشتر کیفی است و از این جهت قابلیت تعریف‌پذیری استاندارد را کمتر پیدا می‌کند؛ اما به جرأت می‌توان گفت که این مفهوم، کلیدی‌ترین موضوع حفاظت ثروت‌های فرهنگی به‌شمار می‌رود، به‌ویژه آنجا که شهر و بافت تاریخی، مورد نظر است. به معنای عام کلمه، شاید یکپارچگی را بتوان به معنای یک کل واحد تعریف نمود. یعنی اینکه در برخورد با ثروت‌های فرهنگی دست به تفکیک جزء به جزء اجزای اثر بر مبنای ارزش‌گذاری متفاوت ننزیم و بدون ورود مفاهیم پراهمیت و کم‌اهمیت، اثر را یک کلیت واحد در نظر بگیریم. این نوع نگاه که حاصل سال‌ها تجربه حفاظت‌گران و پژوهشگران عرصه مرمت و حفاظت بوده است، از این جهت در مقوله بافت‌های تاریخی اهمیت می‌یابد که بافت‌ها از اجزای متنوعی در درون خود برخوردارند. بنابراین تفکیک، تقسیم‌بندی و ارزش‌گذاری مجزا سبب اشتباه در نوع تصمیم‌گیری و نوع و سطح مداخله در بافت‌ها می‌گردد. یکپارچگی «به معنای تشریحی، یعنی آنچه هیچ چیزی از آن کم نباشد و چیزی نشکسته و تقسیم نشده (حناچی، عشرتی و فدایی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۵۷). مفهوم یکپارچگی در کشور آمریکا شکل گرفت و به اروپا سفر کرد و در جلسات کارشناسان کمیته میراث جهانی در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ در محورهای طراحی، مواد و مصالح، مهارت‌های استادکارانه و بستر مورد بررسی قرار گرفت (Castriota and Marcal, ۲۰۲۱). در سال ۱۹۷۶ کمیته ایکوموس جهانی مفهوم یکپارچگی را جزو معیارهای اصلی و اساسی به منظور ثبت آثار تاریخی و طبیعی معرفی کرد؛ از نقطه نظر منشورها و قطعنامه‌های جهانی، می‌تواند به مواد ۱۲ و ۱۴ منشور و نیز اشاره نمود که در ماده ۱۲ لزوم هماهنگی قطعات مفقود شده آثار با کل اثر و در ماده ۱۴ بر مراقبت از سایت‌های تاریخی به منظور مراقبت از یکپارچگی آنها تأکید شده است (Icomos, ۱۹۶۴).

آنچه که از مفهوم یکپارچگی به کار حفاظت از بافت‌های تاریخی می‌آید را می‌توان مربوط به سه مقوله زیر دانست:

-یکپارچگی عملکردی^۱

-یکپارچگی ساختاری^۲

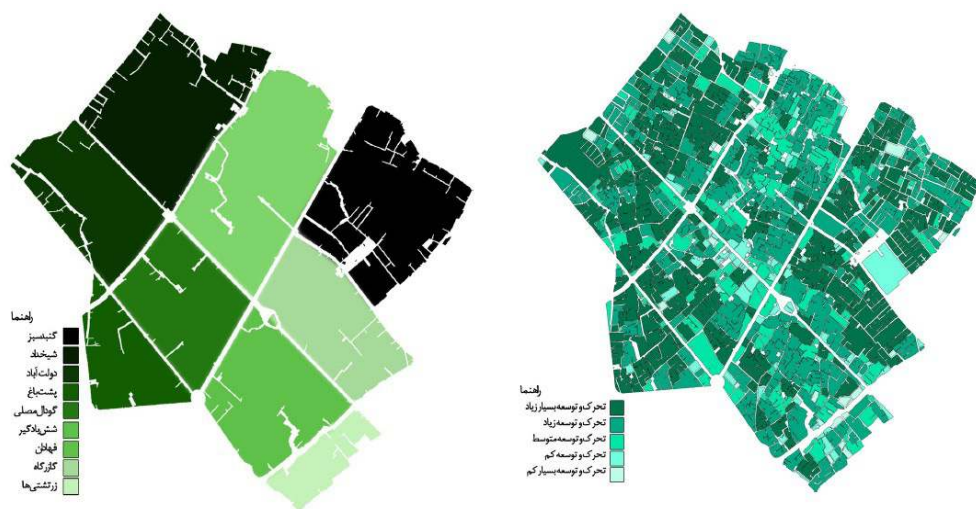
-یکپارچگی بصری^۳

«یکپارچگی عملکردی: مرجعی برای درک رابطه عملکردی عناصر تشکیل دهنده محیط ساخته شده را فراهم می‌کند، برای مثال تمام اتفاقات تاریخی، مانند مراسم خاص مذهبی، یا ورود روزهای خاص، در ایجاد درکی ویژه از مکان تاثیرگذار است، به تعبیری می‌تواند حس مکان جدیدی را در فرد برانگیزد. یکپارچگی ساختاری: میزان و نوع ارتباط میان اجزاء و ساختارهای تاریخی با یکدیگر را شناسایی می‌کند، به این معنا که به واسطه بی‌توجهی به ساختار منسجم ارتباطی و حذف بخشی از آن از یکپارچگی اثر کاسته می‌شود. یکپارچگی بصری: نتیجه تغییر و رشد فرایندهاست. هر میزان که کیفیت هنری، ویژگی‌های معمارانه و ارزش‌های زیبایی‌شناختی آثار در گذر زمان بیشتر حفظ گردند، شاخص یکپارچگی بصری از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است... در گذشته یکپارچگی بصری هر منطقه نشانگر هویت منحصر به فرد مکان بود. این مؤلفه به معنی حفظ و تداوم فرم‌های معماری و طبیعی، تناسبات، رنگ و رابطه بصری عناصر در درون و بیرون مجموعه است. این نظام‌ها در پیوند با بستر مربوطه اهمیت دارند» (خناچی، خادم‌زاده، فراهانی، ۱۴۰۲: ۲۲۱).

در ارتباط با بافت تاریخی شهر یزد، حفظ اصالت و یکپارچگی و توسعه موزون و ارگانیک شهر تاریخی تا زمان معاصر، به صورت طبیعی اتفاق افتاده است. تا جایی که آشکارا می‌توان توسعه متوازن محله‌های بافت را مشاهده کرد. تحرک و توسعه برزن‌های داخل بلوک‌های شهری بافت تاریخی، رشدی طبیعی داشته و از این جهت تا پیش از ثبت جهانی بافت تاریخی شهر، یکپارچگی شهر به گونه‌ای مطلوب حفظ شده است. از نقطه نظر اصالت نیز این مقوله در طرح مساکن و معابر، مصالح مورد استفاده، اصالت منظر و کاربری‌ها نیز محدوده بافت تاریخی شهر یزد امتیاز قابل قبولی کسب کرده است؛ چه اینکه با نگاهی اجمالی به ساخت کالبدی بافت ناحیه، کمتر بنایی با ضدیت مشهود با مفهوم اصالت دیده می‌شود و از این رهگذر می‌توان وضعیت بافت را قابل قبول دانست (شکل ۱).



نقدی بر اثرات ثبت
جهانی بافت تاریخی
شهر یزد بر احیای بافت



میزان تحرک و توسعه بلوک به بلوک بافت تاریخی شهر یزد بر اساس تحلیل خوشه‌ای.

میزان تحرک و توسعه پرن‌های بافت تاریخی شهر یزد نسبت به یکدیگر.

■ شکل ۱. نقشه میزان تحرک و توسعه بافت تاریخی شهر یزد (مأخذ: آرمانشهر، ۱۳۸۷: ۷۸).

شهر و بافت تاریخی شهر

یزد شهری کویری است که در مرکز ایران قرار گرفته است؛ از سمت شمال با میبد و اشکذر، از سمت شرق با بافق و اردکان، از سمت جنوب با ابرکوه، تفت و مهریز و از سمت غرب با اصفهان هم مرز است. این منطقه با وسعت حدود ۷۲۱۵۶ کیلومتر مربع دارای جمعیت ۵۲۹ هزار و ۶۷۳ نفر است (تارنمای شماره ۴). منطقه بزرگ یزد شامل سرزمینی می‌شود که از اطراف به سرزمین‌های تاریخی فارس، اصفهان، کاشان، خراسان و کرمان محدود می‌شود و قسمتی از کویر بزرگ ایران را در خود جای داده است. این سرزمین که امروزه چهره‌ای خشک و خشن به خود گرفته، در هزاره‌ها و هزاره‌های دور، جلگه وسیع و سرسبزی بوده است که از خشک شدن تدریجی دریای بزرگی به وجود آمده و آبریزگاه رودخانه‌هایی (دائم و فصلی) بوده که از کوه‌های محاط بر آن (رشته کوه‌های جنوبی شیرکوه و شمالی سیاه کوه) سرازیر می‌شده‌اند (پویا، ۱۳۶۸: ۷).

در اولین قانون تقسیمات کشوری ولایت یزد یکی از ۱۲ ولایت ایران بود. در دومین قانون تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۱۶، شهرستان یزد و اصفهان استان دهم را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۳۷ شهرستان بابک از شهرستان یزد منتزع و تابع استان هشتم به مرکزیت کرمان شد. در سال ۱۳۴۸ یزد از استان دهم جدا و به فرمانداری کل تبدیل شد (احمدی، ۱۳۸۱: ۸).

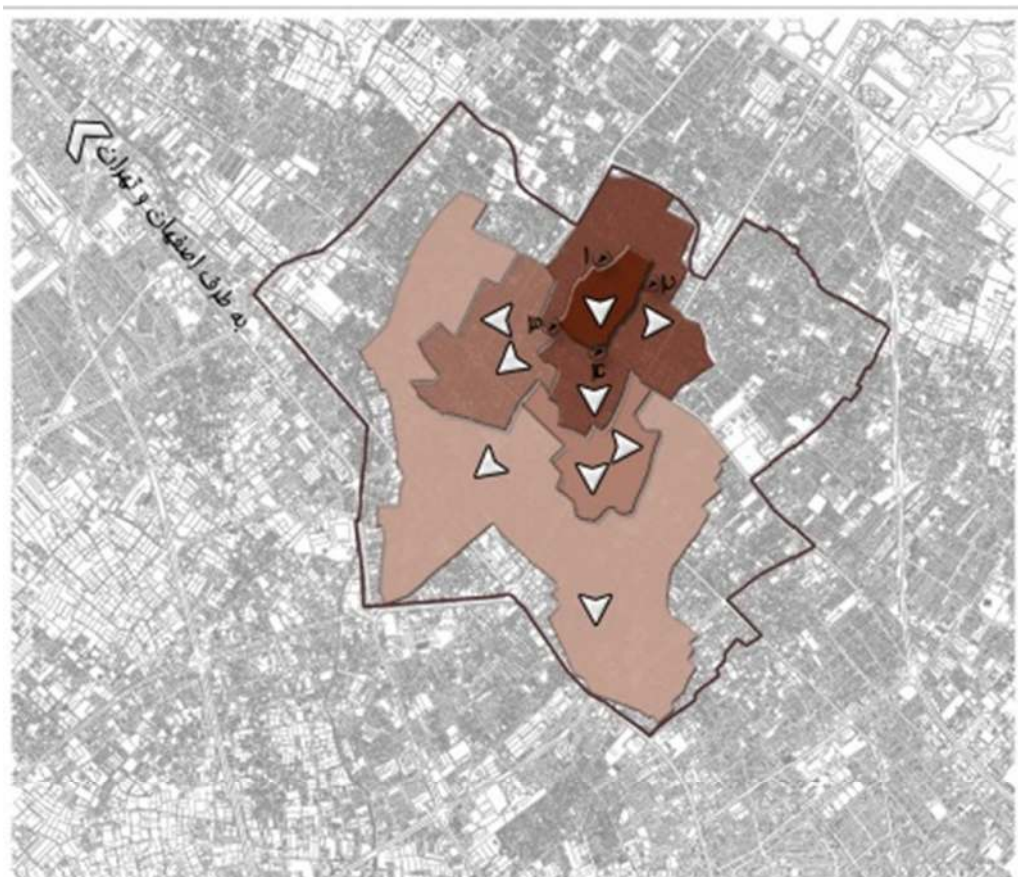
بنیاد شهر یزد را گروهی به یزدگرد اول نسبت داده‌اند که در ابتدا آن را یزدان گرد نام کرده است (حاجی شعبانی، ۱۳۷۷: ۲). یزد در دوره ساسانی جزو پنج کوره یا ولایت مهم ایالت فارس بود که این وضعیت تا پایان دوره عباسیان همچنان برقرار بود. پس از هجوم مغول جزو استان جبال گردید و بعداً جز ایالت کرمان شد. چند صباحی در زمان اتابکان یزد و سلسله آل مظفر مرکز حکومت‌شان شد و لقب

«دارالعباده» گرفت؛ زیرا علاالدوله گرشاسب، یزد را به منزله اقطاع از ملک‌شاه درخواست کرد، تا در آن روزگار خود را به عبادت سپری کند (عرصه، ۱۳۸۲: ۳).

از نقطه نظر گسترش کالبدی، می‌توان به وضوح گسترش شهر را در جهات مختلف جغرافیایی مشاهده نمود و شاید این موضوع متأثر از ویژگی شهرهای کویری باشد؛ زیرا عوارض طبیعی کمتر به‌منزله محدودکننده گسترش شهر مطرح بوده و نقش دارند و از این جهت شهر در جهات مختلف رشد طبیعی خود را طی کرده است.

در سده چهارم ه.ق با توجه به گزارش اصطخری و ابن حوقل شارستان یزد دو دروازه داشته است. در زمان آل کاکویه شارستان توسعه پیدا کرده و شهر به وسیله چهار دروازه با بیرون در ارتباط بوده است. در دوره آل مظفر بار دیگر ربض توسعه یافته، با افزودن بر محیط بارو بخشی از آن به شهر الحاق شد و تعداد دروازه‌ها به عدد هفت رسید. در دوره تیموری «دروازه دولت»، در عصر صفوی «دروازه ملا» و دوره‌های بعد «دروازه شیخداد»، «دروازه حظیره»، «دروازه شاهزاده فاضل»، «دروازه مصلی»، «دروازه چهار منار»، «دروازه اصفهان»، «دروازه سید گل سرخ» و «دروازه بافق» ایجاد شده است. این موضوع به روشنی توسعه کالبدی شهر یزد در سده چهارم به بعد را نشان می‌دهد (بنگرید به: جودکی عزیزی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴).





برج و باروی شهر در دورانه‌های مختلف



■ شکل ۲. نقشه شکل گیری باروی شهر یزد در دوره‌های مختلف تاریخی (مأخذ: آرمانشهر، ۱۳۸۷: ۳۵).

جدول ۱. ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی، نزد در سیر تاریخی شهر (مأخذ: همانجا)

دوره اول شهری	عناصر ایجاددهنده شهری	چگونگی توسعه فضایی - کالبدی	تغییرات کالبدی	تغییرات اقتصادی	تغییرات فرهنگی و اجتماعی	عناصر شاخص	تغییرات عملکردی
دوره پیش از اسلام	ایجاد خانه باغ و خانه باغ عمار، مساجد مختلف مسجد ابد، مساجد حمام، مساجد و دروازه مهرپرورد و ایجاد کوشکده یا پرده کوشکدر شهر.	توسعه فضایی - کالبدی مساجد و متعادلگر در پرده رشد جمعیت ادات و شهر مناطق با شرایط محیطی طبیعی و ساختار فرهنگی، توسعه ای کالبدی و معماری داشته است.	- شکل گیری هسته باغی بافته تاریخی شهر در محله گدازان امروزی	- نشان نقش بازار باکی گردی - مساجد خشتکار و میوه و مساجد فصلی	- معرفی کالبدی شکل زشتی گرفته در - مساجد سوری - کرمی	- بازار کلهای در خارج محدوده شهر تشکیل شده که به تدریج به شهر گدازان گذر پیوسته متوسل شد.	
دوره اول کاخویه	ایجاد مسجد و برج و بارو به دور شهر، ایجاد چهار دروازه به نوعی مهرپرورد، حمام، دروازه شاهی مسجد جامع در شمال شهر در محله گدازان چوب شهر که یکی نام گرفته است.	توسعه فضایی - کالبدی در این دوره به سمت جنوب و جنوب غربی بوده به طوری که کاهن مسجد جامع در شمال شهر در محله گدازان امروزی قرار داشت.	- شکل گیری بازار برای نخستین بار - گسترش بازار و محلات آن در سطح و در نخچه نخستین گسترش عمده شهر در خارج از شهر است - توسعه شهر به سمت جنوب	- مهاجرت خردسازان و معماران اسقفی به بود - احداث قبرستان آیین کتیلهخانه و مسجد جامع در - اقلیت نخستین مدرسه سازی	مسجد جامع گداز مسجد زواره امام مدرسه شاهیه مسجد شیخی با اقلیت نخستین مدرسه سازی	- تقویت مجموعه مسجد جامع به عنوان مرکز اصلی شهر. - وجود آمین بازارچه ریاضت در استاد محرم رحمتی شاهی - جنوبی	
دوره آل بکران	-	-	- توسعه شهر به سمت جنوب و شرق - ایجاد چهار محله جدید عراق، عراق، عراق، مطراف، مرجع - مساجد بازار در محور شاهی - جنوب	- رونق تجارت و عدم رونق کشاورزی - احداث نخستین کارخانه عمده شهر	مدرسه و کتیبه مسجد اصفهانی مسجد چهل محراب	- تقویت شهر شاهی - جنوبی اثر جهت دروازه مهرپرورد - وجود آمین بازارهای در راستا کشور ایران - توسعه و تقویت مجموعه مسجد جامع به عنوان مرکز اصلی شهر. - وجود آمین دومین مرکز شهر به نام مجموعه اقلیت.	
دوره آل مظفر	مسجدخانه چون سبزان، کوهی کوچک مسجدخانه باغ و باغی مدرسه کلاه سبزان قلم دروازه شاهی به نوعی مهرپرورد فرمان، آبنمای شاه، کوشکدر، عمارت و مساجد دروازه، بازار گدازان، مدارس، بازار سلطان کرام، بازار حاتم، حمام و...	توسعه شهر حدود دو بار شده، رشد و گسترش شهر عمدتاً در سمت جنوب و جنوب غربی و غرب بوده و در سمت شمال و شرق به علت وجود دهکدهای مبارک، روستاها و تپه‌ها از فراموشی بدری و حاکمیت شرایط تاریخی، کویری رشد و گسترش شهر بسیار اندک بوده است.	- ایجاد دهکدهای و عناصر در پیرامون شهر، ایران - احداث بازارهای که قطعه قطعه افزایش در به حساب می‌آید و مسجد بازار امروزی در هند - احداث مجموعه‌های و تأسیسات کارگاه تأسیسات راههای کالبدی و تأمین انرژی برای کار تجارت، بازار کالان	- رونق فرهنگی - فعالیت‌های در راستای مناطق ملیه و حفاظت - رونق اقتصادی و در نتیجه جهش توسعه و رونق مدرسه شاهیه	مجموعه حسینیان مجموعه مساجد شیخانی مجموعه سبیل خان علی بازار سرخس بازار شاهی بازار شاهی مدرسه شاهیه	- تقویت شهر شاهی - جنوبی و توسعه شهر شاهی - جنوبی - تقویت مجموعه مسجد جامع به عنوان مرکز اصلی شهر و وجود آمین شهر و بافت و مساحت و توسعه بازار حاتم	

نوع بازسازی	عناصر ایجاد شده شهری	چگونگی توسعه فضای - کالبدی	تغییرات کالبدی	تغییرات فرهنگی و اجتماعی	عناصر شاخص	تغییرات عملکردی
توزیع شهری	ایجاد مجموعه‌های مسکونی در شهر که یکی از مهمترین این مجموعه‌ها مسکونی، محله شیر جلال قدیم برمیخیزد. شایسته این مجموعه‌ها می‌باشد که دارای مسجد، بازار چند ارباب، کاروانسرا، قلعه‌ها، دروازه‌ها و سایر تأسیسات مناسب خود بوده و توسط پایان غیر بیندیشی و تأسیس شده بودند.	رشد و توسعه مسکونی مسجون شهری که موجب رشد و توسعه مسکونی و متوازن شهر گردیده بود. رشد و گسترش شهر عمدتاً بر سمت جنوب و جنوب شرق صورت گرفته و در این دوره مساحت و بار بارانی و بارشهای متعادل شهری رشد و شکوفایی خاصی داشت.	مردم فعلی و خشکسالی - گسترش فضاهای تجاری در خارج از بارهای ایستایی - شکل‌گیری محور حرکتی - تجاری صورت بر محور حرکتی شایسته - شهری	-	مجموعه برنجکش بازار علی آقا بازار حاجیه شمس الدین مسجد کهنه و بقعه شیخ زکریا الدین مسجد جامع	- شکل‌گیری و توسعه محور حرکتی - تجاری نمود بر محور حرکتی - شهری - بازواجیه شمس الدین - بزرگی در خارج از محدوده و تعریف مرکز چندین مهم تر از مجموعه مسجد جامع
توزیع مسکونی	رشد و توسعه کاروانسراها بازار مسافران ساخته شده مسکونی محله‌های شمالی شهر از جمله مجموعه باغ میدان کهنه شاهد این تغییرات مسکونی می‌باشد. میدان شاهد تأسیسات در مقابل میدان برمیخیزد که عنوان ویژه نامی این دو مجموعه توسط راننده بازار برقرار شده بود.	ظرفیت موجود فضاهای شهری، انتقالی‌ها با نیازهای مردم، توسعه هنر در معماری شهر، همگرایی فضاهای شهری با عناصر طبیعی، خلاصه توسعه مزبور و متعادل کاروانسرا شهر که عمدتاً جهت رشد و گسترش شهر در سمت غرب، جنوب غرب و جنوب صورت گرفت.	- مرزهای کالبدی در محلات باز - بازگشت از ایده فولان - گسترش شهر به سمت غرب و جنوب غربی	-	مجموعه میدان کهنه شاهی میدان قدیم محله باغ پست میدان شاه طهماسب مجموعه باغ کندی مدرسه باغ کندی نمونه ارزشمند شهر	- تفکیک حوزه‌های عملکردی وجود داشته بلکه سبک زندگی آشنایان و عناصر و تأثیرات آنها یک میدان شهری بوده است. - وجود آشنایان در محله باغ کندی - شهر به وسیله این اجتماع مردم - ایجاد میدان شاه طهماسب و - وجود آشنایان محوری قوی صورت بر محور تاریخی شهر.
توزیع تاریخی تا آخر	ایجاد اداره پست و کاروانسرا در کنار عناصر قدیمی شهر، رشد و توسعه پهنای فضایی در جهت مسجد، مدرسه و گرمابه در کنار توسعه مجموعه‌های مسکونی.	توسعه فضایی متوازن شهر و ساخت کاروانسرا مستطیل‌الکره لنگی قالب توسعه شهری بوده و محله بندرها و تأسیسات شهری مناطق با نظام کاروانسرای یکی یعنی شرایط محیطی، طبیعی، تکنولوژی، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی رشد و توسعه یافته است.	- توسعه بازارهای و رونق مجدد تجارت و رونق سرمایه‌داری - پیدایش ایران به بازار جهانی - ایجاد مراکز و بانک - اصول صنعت نساج	-	میدان خان مجموعه حاجیه خضر بازار خان مدرسه خان بازار قهریه مجموعه دریا	شمالی - جنوبی با شکل گری مجموع خان - ایجاد مجموعه کوکبی کوکت کوکت آباد و توسعه شهر به سمت غرب - رکورد در مراکز شهری که از توسط دوره قاجاریه شروع شد.

دوره تاریخی	عناصر ایجاد شده شهری	چگونگی توسعه فضایی - کالبدی	تغییرات در کالبدی	تغییرات اجتماعی	تغییرات فرهنگی و اجتماعی	عناصر شاخص	تغییرات عملکردی
دوره اولی تا زمان ظهور پهلوی تا زمان ایجاد مرکز حاکمیت	ایجاد مرکز حاکمیت، باشگاه، تفریحی، کوهچا و احداث خیابان‌ها که بافت‌ها پهن‌تری از حیر می‌گسترست، ایجاد سوارخانه و وسیع باری به ویژه پارک‌های تفریحی، ورود کوردها، مراکز دولتی و در حقیقت به فرهنگی به بسک بازی، تفریحات ایجاد یافتند، شهری که کمتر با بافت‌های قدیمی هماهنگی و همخوانی داشت.	از دوره پهلوی دوم به ویژه از دهه ۱۳۴۰ شد و گسترش شروع و برپه افکار شده است. مکانیسمی مناسب و تغییر در عناصر شهری در بخش‌های ایجاد شده شهری، بورس برای زمین و مسکن، تفریحاتی فضایی در سطح شهر، تشدید مهاجرت‌های دربرگیرنده جمعیت به شهر و گسترش گسترش گریزی و حاشیه نشین در شهر.	تغییراتی در ساخت فضایی شهر و تغییرات کالبدی گسترشگر نهادل و برپه، تغییرات شهر و عدم نهادل و برپه، عدم ایجاد شهر و احداث خیابان‌های جدید و ایجاد گسترش در بافت تاریخی، ترمیم بافت تاریخی، ترمیم بافت تاریخی، پاک کردن طرحی نظامی، رشد و گسترش شهر و ایجاد و شکل گسترده به صورت نابسته و از هم، گسترش.	تغییرات اجتماعی	تغییرات فرهنگی و اجتماعی	عناصر شاخص	تغییرات عملکردی
دوره دوم از زمان ظهور پهلوی تا زمان ایجاد مرکز حاکمیت	ایجاد مرکز حاکمیت، باشگاه، تفریحی، کوهچا و احداث خیابان‌ها که بافت‌ها پهن‌تری از حیر می‌گسترست، ایجاد سوارخانه و وسیع باری به ویژه پارک‌های تفریحی، ورود کوردها، مراکز دولتی و در حقیقت به فرهنگی به بسک بازی، تفریحات ایجاد یافتند، شهری که کمتر با بافت‌های قدیمی هماهنگی و همخوانی داشت.	از دوره پهلوی دوم به ویژه از دهه ۱۳۴۰ شد و گسترش شروع و برپه افکار شده است. مکانیسمی مناسب و تغییر در عناصر شهری در بخش‌های ایجاد شده شهری، بورس برای زمین و مسکن، تفریحاتی فضایی در سطح شهر، تشدید مهاجرت‌های دربرگیرنده جمعیت به شهر و گسترش گسترش گریزی و حاشیه نشین در شهر.	تغییراتی در ساخت فضایی شهر و تغییرات کالبدی گسترشگر نهادل و برپه، تغییرات شهر و عدم نهادل و برپه، عدم ایجاد شهر و احداث خیابان‌های جدید و ایجاد گسترش در بافت تاریخی، ترمیم بافت تاریخی، ترمیم بافت تاریخی، پاک کردن طرحی نظامی، رشد و گسترش شهر و ایجاد و شکل گسترده به صورت نابسته و از هم، گسترش.	تغییرات اجتماعی	تغییرات فرهنگی و اجتماعی	عناصر شاخص	تغییرات عملکردی





در سرزمین‌های اسلامی، شهر اسلامی، مجموعه‌ای است از محلات متجانس و همگن که براساس روابط، تناسبات، شکل و وابستگی‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای یا سرزمینی، در مکانی مشخص مجتمع شده و هویت و اصالت خود را سال‌ها به همین صورت نگاه داشته‌اند. درحقیقت در شهرهای ایران قبل از عصر توسعه جدید شهری، محله‌ها به‌منزله واحدهای اصلی شکل‌دهنده شهر، بیش از هر واحد دیگر شهری در درون خود، همبستگی، یگانگی و همسانی قومی و خانوادگی و گاه اداری و طبقاتی داشته‌اند (خاکساری، ۱۳۸۵: ۳).

این منطقه با توجه به نوع اقلیم گرم و خشک کویری از نوع خاصی از معماری و شهرسازی برخوردار است که اگر چه مانند بسیاری از شهرهای دیگر کشور بر مبنای محله‌بندی‌ها استوار است، این نظام در مقیاس بزرگ‌تر و هر محله به‌منزله یک مجموعه کامل شهری شکل گرفته است.

بافت متراکم شهری و درهم‌تنیدگی بافت شهر بر اثر الزامات اقلیمی، گونه‌ای خاص از شهر ایجاد نموده است که ویژگی بافت و اقلیم کویر است. گریز از تابش تند آفتاب، دوری از وزش بادهای داغ و شن‌آلود کویری، ایجاد سایه و روشن هم از جهت کوران هوا و خنکی گذرها و هم از لحاظ زیبایی منظری، گذرهای تنگ و گاه مسقف با سقف‌های کوتاه همگی از مشخصات بافت تاریخی شهرهای کویری و از جمله یزد است.

شهر یزد از جمله نمونه‌هایی است که می‌توان در آن یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال حساب شده‌ترین بافت‌های شهری را دید، که هر بخش از آن فضاهای متفاوت و چشمگیری را عرضه می‌دارد. از ویژگی‌های عمده بافت این شهر که در تمامی محله‌های قدیمی مشاهده می‌شود، این است که هر محله واحد همگانی مورد نیاز مردم آن محله را در بر دارد (شکل ۳). از این واحدها می‌توان آب انبار، مسجد، بازارچه، میدان، حسینیه و حمام را نام برد (آرمانشهر، ۱۳۸۹: ۵۱).

این محلات که در واقع حوزه‌های کوچک‌تر شهر را تشکیل می‌دهند، غالباً رشد ارگانیک‌داشته و توسعه آنها تدریجی بوده است و با توسعه شهر معمولاً به تعداد آنها اضافه می‌شود؛ اما آنها غالباً دارای یک شکل و هندسه مشخصی نبوده و مرز بین آنها کاملاً قابل تشخیص نیست (شمسه، ۱۳۸۵: ۸۳).

نامگذاری این محله‌ها، غالباً براساس معیارهای متفاوتی انجام شده است. به عنوان مثال، بیشتر مسگرها در محله پشت باغ، بنایان در محله تل و خرمشاه، تجار در محله سهل بن علی و کوی گلچینان، نساجان در محله فهادان و شاه ابوالقاسم ساکن بوده‌اند. این ویژگی در شکل‌گیری فضاهای زیستی آنها به نحو بارزی تأثیرگذارده است. اقلیت‌های دینی نظیر یهودیان بیشتر در محله یهودی‌ها متمرکز و دارای کنیسه خاص خود بوده‌اند؛ اما زرتشتیان در طیف وسیعی در محلات خلف خانعی، خرمشاه، نعیم‌آباد، اهرستان، کوچه بیوک، نرسی‌آباد، تل، عیش‌آباد، خیرآباد، موبدان و کسنویه ساکن بوده و هستند (همانجا).

بافت تاریخی یزد همواره در برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد توجه بوده است، اقداماتی که از زمان توجه به بافت‌های تاریخی در ایران صورت گرفته، یزد را پیش‌تاز این گرایش معرفی می‌نماید (خادمزاده و مندگاری، ۱۳۸۳).



شکل ۳. محدوده محلات تاریخی شهر یزد (مأخذ: آرمانشهر، ۱۳۸۹: ۴۹).

ثبت جهانی، فرصت یا تهدید

همانطور که گفته شد اهمیت بالای مفهوم یکپارچگی و اصالت در بافت‌های تاریخی شهرها و در روند حفاظت از آنها از مفاهیم پایه‌ای و پذیرفته شده بین‌المللی است. بدین معنی که نظام ارزش‌ها در بافت تاریخی شهر ارتباط مستقیمی با مفاهیم اصالت و یکپارچگی و مصادیق آن دارد، لذا آنچه بیش و پیش از هر چیز در سیاست‌گذاری حفاظت از بافت‌های تاریخی می‌بایست مورد نظر قرار گیرد حفظ و حراست از اصالت و یکپارچگی بافت تاریخی چه در مقیاس خرد و چه در مقیاس کلان است؛ در این میان می‌توان تعاریف مربوط به توریسم و گردشگری را به نوعی متأثر از این مفاهیم کلان دانست.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت ساکن در بافت تاریخی شهر یزد ۵۴۲۷۸ بوده است (تارنمای شماره ۳) که این تعداد در سرشماری سال ۱۳۸۵ به ۴۲۸۵۱ نفر رسیده (همان) که رشد منفی ۲,۳۴ درصد را نشان می‌دهد. این در حالی است که سرشماری سال ۱۳۸۵ رشد ۳,۹ درصدی را در کل شهر نشان می‌دهد (همان) که نشان از عدم اقبال مردم به بافت تاریخی شهر تا این زمان است. در سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد ساکنین بافت تاریخی شهر ۱۰ درصد از جمعیت کل شهر بوده که این رقم در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۱۰,۲ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۸,۴ درصد تقلیل یافته است (همان). یعنی دقیقاً از شروع جدی فعالیت در جهت ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد از اواخر سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۶ که بافت تاریخی ثبت جهانی می‌شود، بافت با رشد منفی ۳ درصدی جمعیت ساکن مواجه می‌شود که نشان از شروع یک عدم تعادل جدی در بافت است.



نقدی بر اثرات ثبت
جهانی بافت تاریخی
شهر یزد بر احیای بافت

از نقطه نظر آسیب‌شناسی شهری، می‌توان اصلی‌ترین آسیب‌های پیش آمده پس از ثبت جهانی بافت تاریخی یزد را در مواردی که در ادامه می‌آید، بررسی نمود.

۱. عدم مدیریت حضور گردشگر در بافت

آنچه با حضور در محدوده بافت تاریخی یزد به وضوح قابل تشخیص است، حضور بی‌ضابطه گردشگر در محدوده محلات بافت است. با وجود تأکید همیشگی منشورهای جهانی در خصوص حفظ اصالت، یکپارچگی و هویت فرهنگی جامعه، مقصد در بحث توریسم، تغییرات در این موارد در خصوص بافت تاریخی یزد بسیار محسوس است.

قدر مسلم گردشگری را می‌توان در چهارچوب تعاریف مربوط به مبادله اجتماعی گنجانده و از این زاویه بررسی نمود؛ چه اینکه از مهم‌ترین جنبه‌های تعامل در سطح شهرهای تاریخی، تبادل اجتماعی بین جامعه بومی و توریست است. بر اساس تئوری مبادله اجتماعی پایداری و مطلوبیت هر پدیده در اجتماع متأثر از دو مفهوم «هزینه» و «منفعت» است. شالوده فکری تئوری مبادله اجتماعی، با استناد به تئوری روان‌شناسی رفتاری و تئوری اقتصادی اصالت سودمندی بنا شده است (Kim ۲۰۰۲: ۱۲). بر این مبنا در حوزه گردشگری ساکنین، گردشگری را با توجه به مبادلات صورت گرفته ارزیابی می‌کنند (Ap ۱۹۹۲) و قضاوت جامعه محلی نسبت به گردشگری تحت تأثیر قضاوت و ارزیابی آنان از منافع و هزینه‌هایی است که در قبال خدماتی که آن جامعه به گردشگران ارائه می‌کند، دریافت می‌گردد (Ap ۱۹۹۰: ۶۷۰). واضح است در این مفهوم صحبت از منفعت و سودمندی صرفاً بر مفهوم اقتصادی تکیه ندارد و مسائل فرهنگی و اجتماعی و روانی، به‌ویژه در شهرهای تاریخی اهمیت بیشتری دارد. متأسفانه معرفی بافت تاریخی یزد توأمان با ولع سیاست‌گذاران برای حضور هر چه بیشتر گردشگر و اقبال ابتدایی مردم به این حضور اکنون با حضور افراطی توریست تبدیل به نوعی دافعه در جامعه بومی شده است. به این معنا که در قبال اهرستان، کوچه بیوک، نرسی‌آباد، تل، عیش‌آباد، خیرآباد، موبدان و کسنویه ساکن بوده و هستند (همانجا).

بافت تاریخی یزد همواره در برنامه‌ریزی و طراحی شهری مورد توجه بوده است، اقداماتی که از زمان توجه به بافت‌های تاریخی در ایران صورت گرفته، یزد را پیش‌تاز این گرایش معرفی می‌نماید (خادمزاده و مندگاری، ۱۳۸۳).

۲. تغییر بی‌رویه کاربری واحدهای کوچک شهری

همانطور که پیشتر ذکر شد، طبق آمار رسمی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ سکونت در محدوده بافت تاریخی شهر یزد با رشد منفی ۲ درصد همراه بوده است. بدین معنی که در سال ۱۳۸۵ از کل



جمعیت شهر، نزدیک به ۱۰ درصد، ساکن بافت تاریخی بوده‌اند، که این درصد در سال ۱۳۹۵ به ۸ درصد تنزل یافته است. با نگاهی میدانی به وضع موجود بافت، تغییر کاربری را می‌توان اصلی‌ترین دلیل افت شاخص سکونت در بافت این محدوده دانست. با شروع روند ثبت جهانی بافت و زمزمه‌های معرفی این بخش از شهر در مقیاس جهانی و به تبع حضور توریست و مسائل اقتصادی مربوط به آن شامل رشد تقاضای خرید، سکونت، تغذیه و فضاهای خدماتی دیگر، گرایش به خرید ملک و تغییر کاربری در بافت، رشد فزاینده‌ای یافت. با عنایت به توان پایین اقتصادی ذاتی ساکنین بافت‌های تاریخی (که نه بصورت مطلق، اما نسبی در تمام بافت‌ها اینچنین است) و کیفیت نسبتاً پایین حیات شهری بافت، بهترین گزینه را واگذاری ملک به خریداران دانسته و با زمزمه‌های ثبت جهانی و احتمال صحیح درآمد اقتصادی بهتر، گرایش غیرساکنین بافت به خرید ملک در محدوده تاریخی شهر بالا رفت. کثرت تقاضا سبب ایجاد ارزش افزوده کنترل نشده در املاک بافت گردید و گرایش فعالان اقتصادی به خرید ملک در این محدوده رشد فزاینده‌ای یافت. به طور معمول در این خصوص بافت تاریخی با دو موضوع روبرو می‌گردد: ۱. خریدارانی که با سودای افزایش قیمت ملک اقدام به خرید نموده‌اند که بازار دلالتی و قیمت‌های کاذب در داخل بافت را شعله‌ور می‌سازند ۲. فعالان اقتصادی که توقع دارند در ازای هزینه‌ای که برای خرید ملک کرده‌اند، سودآوری و بازگشت سرمایه داشته باشند. لذا این دو منظر سبب گردید که هر دو در یک موضوع مشترک باشند و آن تغییر کاربری از مسکونی به تجاری، اقامتی و خدماتی است؛ از این‌روی امروز می‌توان پس از گذشت ۶ سال از ثبت جهانی بافت ایجاد آثر شرایط آسیب‌زنده را آشکارا دید. گردش ساده و حتی نه کارشناسانه در محدوده بافت تاریخی شهر به راحتی تغییر افراط‌گونه منازل به هتل و رستوران و حتی کاربری‌هایی ناهمخوان همچون موزه‌ها و نمایشگاه‌های خاص را نشان می‌دهد که ضمن آسیب کالبدی به اصالت بافت، آسیب‌های اجتماعی قابل توجهی را نیز تضمین می‌کند (شکل ۴). از جمله آسیب‌های کالبدی به از بین رفتن یکپارچگی در ریز فضاهای شهری مانند از بین رفتن واحدهای همسایگی، تاب‌آوری معابر کوچک شهری، ترافیک زنده و مرده سواره و پیاده را می‌توان نام برد. در آسیب‌های اجتماعی این تغییر نیز، از بین رفتن حس مکان، جابجایی نسل، تضعیف امنیت روانی ساکنین بافت با حضور افراد غیر ساکن، اختلاط طبقاتی مالکین جدید و مالکین قدیم را می‌توان فهرست کرد.





■ شکل ۴. اجتماع کاربری‌های غیرمسکونی و غیراصیل در حداقل فضای شهری معابر بافت (مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۲).

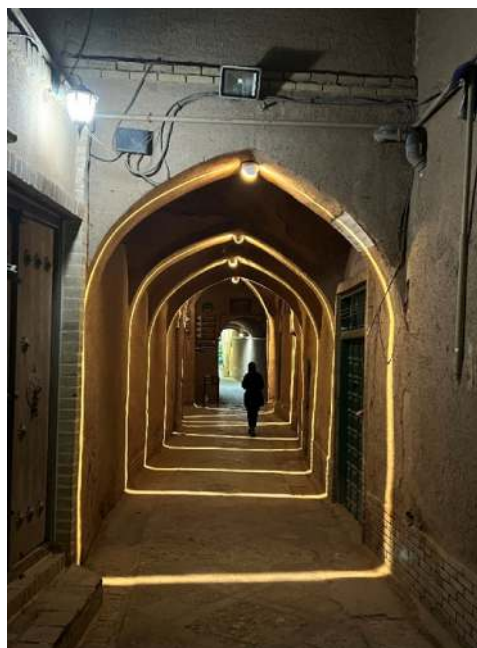
۳. تغییر منظر از شهر به نمایشگاه شهری

بر مبنای معاهدات، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی آنچه در سیاست‌گذاری حفظ و احیای بافت‌های تاریخی از درجه اول اهمیت دارد، حفظ اصالت بر مبنای کیفیت اصیل بافت تاریخی است (بنگرید کنگره آتن ۱۹۳۱، منشور ونیز ۱۹۶۴). به زبان ساده‌تر در هرگونه تصمیم‌گیری در جهت حفظ، احیا و معرفی بافت‌های واجد ارزش شهری، نباید تغییر اساسی در ویژگی‌های کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی و منظری بافت بوجود آورد؛ زیرا هدف از هرگونه اقدام در مواجهه با بافت‌های تاریخی، تقویت و برجسته‌نمودن ارزش‌های موجود در بافت تاریخی شهرها است که طی سده‌ها به گونه‌ای ارگانیک شکل گرفته‌اند. لذا هر اقدامی می‌بایست در نظام ارزش‌های بافت تاریخی قابلیت تعریف داشته و ذیل این مفهوم قرار گیرد. در مقدمه کنوانسیون میراث جهانی، مصوب ۱۹۷۲، در تعریف بافت‌های تاریخی آمده است که «مجموعه‌ای از بناهای متصل یا جدا از هم که به علت معماریشان، هماهنگی و همگنی و موقعیت چشم‌اندازشان، از دیدگاه تاریخی، هنری یا علمی دارای ارزش جهانی باشند» (میردانش و کفائی، ۱۳۹۶: ۷۱).

اگر بخواهیم ساده‌ترین تعریف را از کیفیت منظر بافت تاریخی بیان کنیم، شاید بتوان گفت کیفیت مواد و مصالح، معابر، نور و روشنایی، نماها و خط آسمان و رنگ‌ها و نقش‌ها همگی بر اساس

سنت و اصالت بافت شکل گرفته باشد و حتی الامکان از تظاهر و نمایش به دور باشد. یکسان سازی مصنوعی نماهای کوچه و گذرها و ساختمان ها نه تنها باعث ارتقای ارزش های بافت نمی شود بلکه از کیفیت طبیعی فضا و منظر شهری می کاهد. دیدهای پی در پی در یک محیط شهری بایستی واجد تفاوت و تنوع کافی باشد. هرچه تنوع و کیفیت این سکانس های پی در پی بالاتر باشد کیفیت بصری این محیط شهری هم بالاتر خواهد رفت (آرمانشهر، ۱۳۸۷: ۱۰).

متأسفانه با گردش در بافت تاریخی شهر یزد، آنچه به چشم می خورد نمایشگاهی از معابر، ساختمان ها، نورهای پرحجم، کفسازی های غیراصیل و تابلوهای متعدد راهنما و تزارهم رفت و آمدهای شبانه روزی است که بافت را از حالت طبیعی زیست مردم خارج و به حالتی شبیه شهرک های سینمایی مبدل ساخته است (اشکال ۵ و ۶). این امر با هدف و آرمان واقعی ثبت جهانی مواریت فرهنگی در تضاد است، چه اینکه هدف اصلی ثبت یک بافت در فهرست میراث جهانی شناساندن یک سنت زنده یا از میان رفته به مردمان در مقیاس جهانی است و به طور مشخص با استحاله شدن سنت ها بر اثر عوارض مربوط به عدم مدیریت بافت پس از ثبت، در تناقض است.



نقدی بر اثرات ثبت
جهانی بافت تاریخی
شهر یزد بر احیای بافت



شاید بتوان اصلی‌ترین عامل مخل این عارضه را از درون افراط در تمایل به جذب گردشگر جستجو کرد. بدین معنی که بافت در پی این است که فضایی دلنشین، جذاب و قابل توجه برای بازدیدکنندگان فراهم آورد. حال اینکه آنچه در جذب گردشگر برای بافت‌ها و دیگر موارد فرهنگی اهمیت دارد، حفظ هویت و اصالت اثر یا جامعه مقصد توریست است و به نظر می‌رسد این نکته در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه مدیران شهری در این محدوده قرار گرفته است.

در مقابل افراط در جدارسازی و نورپردازی معابر بخش توریست‌پذیر بافت، غفلت از سایر بخش‌های بافت تاریخی، به وضوح دیده می‌شود. بدین معنی که به فاصله کمی از معابر پر زرق و برق گردشگرپذیر با کاربری‌های عمدتاً تجاری جدید، قسمت‌های واجد ارزش اصیلی از بافت قابل رهگیری و مشاهده است که علی‌رغم دارا بودن تمام مشخصه‌های اصالت و یکپارچگی، در سطح تک بناها و مجموعه‌ها، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (اشکال ۷ و ۸). مرجع این نقصان به‌طور روشن در نگاه تک‌بعدی و غیرفرانگر به مقوله شهر و بافت تاریخی است که آشکارا با اصول پذیرفته شده اصالت و یکپارچگی در بافت در تعارض مستقیم است.



■ اشکال ۷ و ۸. نمونه بی‌توجهی به بخش‌های اصیل و واجد ارزش بافت تاریخی متأثر از نگاه غیرجامع به بافت تاریخی (مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۲).

شاید بتوان اصلی‌ترین عامل مخل این عارضه را از درون افراط در تمایل به جذب گردشگر جستجو کرد. بدین معنی که بافت در پی این است که فضایی دلنشین، جذاب و قابل توجه برای بازدیدکنندگان فراهم آورد. حال اینکه آنچه در جذب گردشگر برای بافت‌ها و دیگر موارد فرهنگی اهمیت دارد، حفظ هویت و اصالت اثر یا جامعه مقصد توریست است و به نظر می‌رسد این نکته در سال‌های اخیر کمتر مورد توجه مدیران شهری در این محدوده قرار گرفته است.

در مقابل افراط در جدارسازی و نورپردازی معابر بخش توریست‌پذیر بافت، غفلت از سایر بخش‌های بافت تاریخی، به وضوح دیده می‌شود. بدین معنی که به فاصله کمی از معابر پر زرق

و برق گردشگری پذیر با کاربری‌های عمدتاً تجاری جدید، قسمت‌های واجد ارزش اصیلی از بافت قابل رهگیری و مشاهده است که علی‌رغم دارا بودن تمام مشخصه‌های اصالت و یکپارچگی، در سطح تک بناها و مجموعه‌ها، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (اشکال ۷ و ۸). مرجع این نقصان به‌طور روشن در نگاه تک‌بعدی و غیرفرانگر به مقوله شهر و بافت تاریخی است که آشکارا با اصول پذیرفته شده اصالت و یکپارچگی در بافت در تعارض مستقیم است.

■ جدول ۱. متغیرهای ادراکات ساکنان شهر یزد (مأخذ: ۲۰۱۲، Deery and Fredline).

متغیرهای ادراکات ساکنان	
متغیرها	تأثیر در ادراکات
متغیرهای بیرونی	میزان/ مرحله توسعه گردشگری
	مدل‌های خطی «مستی» پیش‌بینی می‌کنند که در بخش‌های بیشتر توسعه‌یافته ادراکات حاصل از گردشگری منفی‌تر می‌شوند.
	نوع گردشگری/ گردشگران
	ویژگی گردشگران، از جمله ملیت، ممکن است با ادراکات مثبت و منفی ساکنان ارتباط داشته باشد.
	تراکم گردشگران/ توسعه گردشگری
متغیرهای درونی	تراکم بیشتر گردشگران عموماً بیشترین ادراکات منفی حاصل از گردشگری را در پی دارد. باین‌حال، نگرش‌های مثبت به منافع اقتصادی حاصل، ممکن است مهم‌تر باشد.
	گردشگری فصلی
	ادراکات گردشگری بر اساس فصل تغییر می‌کند: نگرش‌ها در فصول جذب بالای گردشگر و در فصول کم گردشگر متغیر می‌باشند.
	سطح توسعه ملی
	با اینکه تحقیقات کمی در رابطه با این متغیر انجام شده، ساکنان مقاصد گردشگری کمتر توسعه‌یافته (از نظر اقتصادی)، فرصت‌های مثبت بیشتری را ادراک می‌کنند.
	وابستگی اقتصادی/ اشتغال به گردشگری
	نتایج بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که کار در بخش گردشگری و همچنین وابستگی به گردشگری به‌عنوان منبع درآمد سبب نگرش مثبت‌تر نسبت به گردشگری است. باین‌حال، متغیرهای مختلف (مثلاً سطح دستمزد در گردشگری) ممکن است بر این نگرش تأثیر گذارند.
	پیوستگی اجتماعی
	پیوستگی اجتماعی، با اندازه‌گیری متغیرهایی مانند مدت زمان اقامت، مالکیت اموال، خانواده گسترده و غیره، تأثیر متقابل و گاهی متناقض بر تصورات گردشگری را تعیین می‌کند.
	فاصله از منطقه گردشگری
	اگرچه ممکن است چنین تصور شود که نزدیکی بیشتر به منطقه گردشگری، سبب ایجاد ادراکات منفی‌تر نسبت به گردشگری است، اما چنین رابطه‌ای در مطالعات ثابت نشده و عوامل دیگر مثل ماهیت توسعه و وابستگی اقتصادی نیز تأثیر گذارند.
	تعامل با گردشگران
	یافته‌ها حاکی از این موضوع است که ارتباط و تعامل با گردشگران به‌طور مثبت با حمایت از گردشگری همبستگی دارد، هرچند که برحسب ماهیت تماس و نوع گردشگر متفاوت است.
	ارزش‌های شخصی
	اخیراً مطالعات رابطه میان ارزش‌های شخصی و ادراکات آنها از گردشگری را تأیید کرده‌اند.
	هویت اجتماعی/ وضعیت اجتماعی
	برخی از همبستگی‌ها بین وضعیت اجتماعی ساکنان و ادراکات آنها از گردشگری مشخص شده است.
	جمعیت‌شناسی (سن، جنس و تحصیلات)
	بعضی از مطالعات برخی ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی را با نگرش مثبت یا منفی مرتبط می‌کنند. برای مثال، ساکنان مسن‌تر ممکن است کمتر از جوانان به گردشگری توجه کنند. باین‌حال، برخی از نتیجه‌گیری‌ها چنین متغیرهایی را در ادراک ساکنان از گردشگری مؤثر نمی‌دانند.



نقدی بر اثرات ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد بر احیای بافت

متأسفانه کانون‌های گردشگری و تجربه‌های گردشگران تنها به عنوان متغیر زمینه‌ای در پژوهش‌هایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که غالباً با رویکرد پوزیتیویستی و براساس تسلط نگاه به گردشگری به عنوان صنعت انجام شده‌اند و گفتمان‌های پوزیتیویستی و تعهد به تجربه‌گرایی، کمی‌سازی، عینیت، فاصله (از موضوع تحقیق)، اعتبار و روایی نشانه‌های جریان مسلط در اغلب پژوهش‌های گردشگری بوده‌اند (Ateljevic et al, 2007:18). در نتیجه این نگاه است که اثرات گردشگری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، محیطی و معرفت‌شناختی مورد غفلت قرار گرفته و کمتر محل توجه بوده است. جنبه‌هایی که برای جامعه محلی اهمیتی حیاتی‌تر از اقتصاد دارد زیرا آنچه مسلم است اینکه اقتصاد به نسبت فرهنگ و مسائل فرهنگی رونای جامعه انسانی است و در سطحی عمیق‌تر فرهنگ است که جامعه را قوام بخشیده و پایدار نگه می‌دارد. از سویی، اقتصاد زمانی



می‌تواند منشاء توفیق شود که در زیرساخت‌های مربوط به توسعه پایدار تعریف شود؛ یعنی اینکه اگر نگاه به پیشرفت صرفاً از منظر اقتصاد باشد و آن هم اقتصاد تعریف نشده در ساختار توسعه پایدار، این اقتصاد محکوم به شکست است و این دقیقاً مبنای موفقیت اقتصادهای خرد و محلی در بافت‌های تاریخی کشور است. این اقتصادها و واحدهای کوچک اقتصادی به صورتی طبیعی با روند تکامل کالبد و عملکرد بافت‌ها تکامل پیدا کرده و در روند توسعه مرحله‌ای، بافت خود را تعریف کرده‌اند. از این جهت این اقتصادها بخشی از توسعه پایدار در بافت به‌شمار می‌آیند. حال اینکه اقتصادهای تحمیلی به بافت این مشخصه را ندارند. در اینجا نیز قابل مشاهده است که احترام به سنت‌ها و ویژگی‌های محلی جزو الزامات موفقیت حتی در مقیاس طرح‌های صرفاً تجاری بوده و از این منظر اهمیت این موضوع مشخص می‌شود.

نتیجه‌گیری

ثبت جهانی بافت‌های تاریخی اگر چه شروعی خوب در جهت احیای یک بافت تاریخی با برجسته نمودن آن در سطح ملی و بین‌المللی به‌شمار می‌آید، هرگز نباید به‌منزله هدف تلقی گردد. به بیان دیگر پایان ثبت جهانی یک اثر در فهرست میراث جهانی، آغاز برنامه‌ریزی جهت مدیریت منسجم، هوشمندانه، علمی و با لحاظ نمودن همه جنبه‌های ملموس و ناملموس اثر است. پلان مدیریت اثر بایستی در چهارچوب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بر مبنای واقعیت موجود و نه آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی تدوین شود؛ ساختارهای اجرایی مشخص تعریف و پایش دائم فعالیت‌ها در دستور کار قرار گیرد. به شکل دوره‌ای نتایج مداخلات چه در سطح کالبدی و چه در جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته، آسیب‌ها و ناکارآمدی‌های احتمالی و نقاط قوت طرح‌ها مشخص شده، پلان مدیریت مورد پالایش قرار گرفته و در دستورکار مراحل بعدی لحاظ گردد. غفلت از جامعه محلی بزرگترین آسیب اینگونه طرح‌هاست. اگر طرح‌ها نتوانند مشارکت مدنی جامعه محلی را برانگیزند یقیناً موفق نخواهند شد و اگر جامعه محلی طرح‌ها و برنامه‌ها را از جنس تفکر و نیاز خویش ندانند در آن مشارکت نخواهند کرد و این دوگانه لازم و ملزوم یکدیگرند و موفقیت طرح‌های احیای شهری در گرو همکاری این هر دو است.

- احمدی، نصراله، ۱۳۸۱، سیمای منابع طبیعی، کشاورزی، دامپروری و صنایع جانی استان اصفهان. اصفهان: موسسه تبلیغاتی رسانه. صص. ۸.
- بی‌نام، ۱۳۸۲، «طرح جامع شهر یزد جلد دوم، وضع موجود»، مهندسین مشاور عرصه. تهران: سازمان مسکن و شهر سازی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- پوپا، سید عبدالعظیم، ۱۳۶۸، "زندادان اسکندر از نگاهی دیگر".
- جودکی عزیزی، اسد الله و موسوی حاجی، سید رسول و واثق عباسی، زهیر، ۱۳۹۴: پژوهشی در سیمای شهر یزد در سده های نخستین دوره اسلامی، فصلنامه پژوهش های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان سال هفتم شماره سوم، صص ۳۹-۵۶
- حاجی شعبانی، محمد، "از سترون خاك تا حماسه شكفتن در کویر" مروری بر گذشته وضع موجود، عملکردها با ارائه تصویری از آینده استان یزد، انتشارات بصیر.
- حناچی، پیروز، خادم زاده، محمد حسن، فراهانی، هانیه، ۱۴۰۲، نصب اصالت و یکپارچگی در مرمت میراث معماری، دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۲۳ صص ۲۲۹-۲۱۵
- خادم زاده، محمدحسن و مندگاری، کاظم، ۱۳۸۳، "تغییر و تداوم در شهر تاریخی یزد"، مجله آبادی، شماره ۴۵
- خاکساری، علی و دیگران، ۱۳۸۵، "مجله های شهری در ایران"، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شماعی، علی، ۱۳۸۲، "توسعه ناموزون فضایی-کالبدی شهر یزد و اثرات آن بر ساخت اکولوژی شهر"، ماهنامه پژوهشهای جغرافیایی شماره ۴۶- صص ۳۷-۱۹
- طالبیان، محمد حسن و حناچی، پیروز و تیمورتاش، سارا و سرزعی، علی، ارزیابی اقتصادی اثرات ثبت جهانی بر توسعه گردشگری: مقایسه موردی یزد و همدان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۸ شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، صص ۱-۱۰
- عزیزی، محمد مهدی و بهرا، بهاره، نقش پروژه های محرک توسعه در بازآفرینی بافت مرکزی شهرها نمونه مطالعاتی بافت تاریخی شهر یزد، ۱۳۹۶، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴، صص ۵-۱۶
- عظیمی، شراره و پرتوی، پروین، پدیدارشناسی تجربه زیسته ساکنان بافت تاریخی شهر یزد در مواجهه با گردشگری، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۲۹ زمستان ۱۳۹۹، صص ۵-۳۲
- مسرت، حسین، ۱۳۷۶، "یزد یادگار تاریخ"، یزد، انجمن کتابخانه های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد.
- مهندسین مشاور آرمانشهر، طرح حفاظت جامع بافت تاریخی یزد، ۱۳۸۹، سازمان عمران و بهسازی شهری، وزارت راه و شهرسازی
- میردانش، سیدمهدی و کفائی قائنی، مجید، مبانی نظری مرمت نظریه پردازان مقررات آسیب شناسی و درمان، ۱۳۹۶، انتشارات پرهام
- هایدگر، مارتین (هستی و زمان) مترجم: سیاوش جمادی (تهران: انتشارات ققنوس).



تارنمای شماره ۱: <https://yazdstore.com>

تارنمای شماره ۲: <https://fa.irunesco.org/p۹۹۲۳>

تارنمای شماره ۳: <http://www.asresakhteman.com>

تارنمای شماره ۴: <https://hamishehsafar.com/city/yazd/Ir que verebuterei strarip teliam, sed dem inat>

منابع لاتین

- Ateljevic, I., Pritchard, A., & Morgan, N. (2007). The critical turn in tourism studies. Amsterdam:
- Castriota, B., and H. Marçal. 2021. Always already fragment: integrity, deferral, and possibility in the conservation of cultural heritage. In The Fragment in the Digital Age: Possibilities and Risks of New Conservation Techniques. Proceedings of the Interdisciplinary Conference of the HAWK University of
- ICOMOS. 1964. The Venice Charter: International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites; ICOMOS: Paris, France. (Accessed on 11 March 2022).
- Jokilehto, J. 2008. What is OUV? Defining the Outstanding universal value of cultural world heritage properties. Monuments and Sites, 16.
- Stovel, H. 1995. Considerations in framing the authenticity question for conservation. In Nara conference
- AP, J. (1990), Residents Perceptions, Research on the Social Impacts Of Tourism, Annals of Tourism Research, 17, 610 – 616.
- Applied Sciences and Arts in Cooperation with ICOMOS and the VDR, 6–8 May 2021 in Hildesheim (pp. 63-78).
- Deery, M., Jago, L. & Fredline, L. (2012). Rethinking social impacts of tourism research: A new Elsevier.
- Heidegger, M. (1971d). Building, Dwelling, Thinking. In A. Hofstadter (Ed.), Poetry, Language and Thought (pp. 143-162). New York: Harper & Row.
- Jafari, J. (2000). Encyclopedia of tourism. Los Angeles: Routledge.
- Kim, K., Uysal, M., & Sirgy, M. J. (2013). How does tourism in a community impact the quality of life of community residents? Tourism Management, 36, 527-540.
- Kozien, A. 2021. Protection of the authenticity and integrity of monuments as a determinant affecting the activities of entrepreneurs-the owners of monuments. Economic and Social Development: Book of Proceedings, 21-31.
- on authenticity in relation to the World Heritage Convention. Proceedings (pp. p-393).
- research agenda. Tourism management, 33, 64-73.



فصلنامه بنیان هنر
شماره سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۳